چگونه با بازجو رویارو شویم؟!



خلاصه ای از کتاب:

فلسفه‌ی تعامل در پشت میله‌های زندان

مترجم:

سامان میر توکلی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعاً﴾

چگونه با بازجــو رویارو شویم؟!

خلاصه‌ای از کتاب: «فلسفه‌ی تعامل در پشت میله‌های زندان»

با تصرف: جلبیب قندهاری

مترجـم: ساسان میرتوکلی

فهرست

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

إن الحمدَ لله نحمدُه و نستعينُه و نستغفره، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، من يهده اللهُ فلا مُضل له، و من يُضلل فلا هادي له و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن محمداً عبده و رسوله.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ خُذُواْ حِذْرَكُمْ فَانفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُواْ جَمِيعاً﴾ نساء ٧١

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! احتیاط نمائید و آمادگی خود را حفظ کنید، و دسته دسته یا همگی با هم (به سوی جنگ) بیرون روید.»

ملت مسلمان ما در سرزمین‌های اشغالی، در بازداشتگاه‌ها و زندانهای رژیم صهیونیستی، دولت‌های عربی و بیگانگان تجربه‌های زیادی به دست آورده است که با آغاز جنگ کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی و روی کار آمدن طواغیت به جمع‌آوری آن پرداخته است .. رژیم اشغالگر قدس و طواغیت حاکم بر کشورهای اسلامی هریک برای گرفتن اعتراف از بازداشت‌شدگان به روش‌های شرم‌آوری متوسل می‌شوند تا هم اتهامات آنها را ثابت کنند و هم جلوی مجاهدتهایشان را بگیرند.

از این رو چند سال پیش شماری از اسیران که طعم تلخ شکنجه، بازجویی و زندان را چشیده بودند، برای بالا بردن آگاهی مجاهدان اقدام به تألیف و انتشار کتابی تحت عنوان «**فلسفه رویارویی در پشت میله‌های زندان**» نمودند. این کتاب در برگیرنده مفاهیمی بدیهی، خلاصه‌ای از تجربه‌ها و شیوه‌های گوناگونی از، بازجویی‌ها است که در بیشتر جاها ازجمله زندان‌های صهیونیستی به اجرا در می‌آید و هدف از انتشار آن، آشنا نمودن دشمنان این نظام‌ها با این روشهاست .. باشد که در برابر بازجوها و مامورین شکنجه، پایداری پیشه کنند و غافلگیر نشوند و خود را نبازند.

از آنجا که طواغیت همانند دیگر کتاب‌های دینی از انتشار این کتاب نیز جلوگیری به عمل می‌آورند و با نظر به اینکه حجم کتاب اصلی ۲۵۰ صفحه است و خواندن آن برای هر کسی مقدور نیست پس از مطالعه و تعمق در آن مختصری از آن را ارائه نمودیم تا هر مجاهدی با هر سطح معلومات و سوادی از آن بهره گیرد.

مجاهدان باید آگاه باشند که طواغیت با استفاده از تخصص و تجربه‌ای که در شکنجه کردن زندانیان دارند، از روشهای دیگری نیز استفاده می‌کنند. ولی مطمئنا خواندن این چند صفحه می‌تواند کمک شایانی در هنگام بازداشت بوده و مجاهد بازداشت شده را از آنچه که در اطرافش می‌گذرد مطلع می‌گرداند تا مقاومت و استقامت برایش آسانتر باشد.

ما نیز همانند مؤلفین کتاب اصلی هیچ حق مالکیتی برای این جزوه قائل نیستیم و آن را منتشر کردیم تا توانسته باشیم از این طریق خدمتی به دعوت و مجاهدان و جهادشان نموده باشیم.

❋ ❋ ❋

○ مراحل دستگیری

- به خانه یا محل کارت حمله می‌کنند، یا در خیابان دستگیرت می‌کنند .. هرگاه از تو خواستند تا ورقه‌ای را امضا کنی این کار را مکن .. و با امضای خودت اقرار مکن که آنها چیزی را از محل دستگیریت برنداشته‌اند ..

- تو را کشان‌کشان به داخل ماشین می‌برند .. امکان دارد درصندوق عقب بگذارند .. یا بر روی زمین بکشند .. و با قنداق تفنگ بزنند .. یا چشم‌ها و دستهایت را ببندند و تا بازداشتگاه مدام توهین و ناسزا بگویند ..

- تو را به بخش مربوطه تحویل می‌دهند .. چشمها و دستهایت را موقتاً باز می‌کنند .. بعد از تو می‌خواهند لباس‌هایت را عوض کنی .. وسائل همراهت را تفتیش می‌کنند و بعضی از آنها را به امانات تحویل می‌دهند .. بلا فاصله و یا کمی بعد از آن موهایت را کوتاه می‌کنند و همانند جنایتکارها از هر طرف از تو عکس می‌گیرند و اثر همه انگشتانت را بر می‌دارند ..

- مجدداً دست و چشم‌هایت را می‌بندند و با ضرب و شتم به سلولی می‌برند .. در راه سلول تو را دور خودت می‌چرخانند و چندبار از پله‌ها وآسانسور بالا و پایین میبرند تا وانمود کنند در مکان ترسناک و بزرگی گیر افتاده‌ای و روحیه‌ات را ببازی ..

- قبل از شروع ، بازجویی بارها تورا می‌زنند .. گاهی می‌گذارند صدای ضجه و فریاد دیگر بازداشت شدگان را بشنوی .. در بعضی اتاق‌ها چشمهایت را باز می‌کنند تا ابزارآلات شکنجه را ببینی ..

- اجازه نمی‌دهند با صدای بلند حرف بزنی و قرآن و نماز بخوانی .. تا آرامش زندان محفوظ بماند .. تنها صدایی که به گوش میرسد صدای باز و بسته شدن درها هنگام انتقال باز داشت‌شدگان است ..

- خودت را به حفظ و تلاوت قرآن و عبادت سرگرم کن .. اگر توانستی وقتی نگاهبانان با هم مشغول گفتگو هستند یا موقع تعویض شیفت با صدای بلند قرآن بخوان و یا سخنی بگو تا مایه آرامش دیگر برادران در بندت شوی و سنگینی سکوت مصنوعی را بشکنی ..

- روز اول و دوم از تو ، بازجویی نمی‌کنند مگر آنکه عجله داشته باشند .. از نظر آنها زمان ارزشی ندارد .. همه چیز به کندی می‌گذرد سعی کن روحیه‌ای که تو را به جهاد وتلاش واداشته است در خود حفظ کنی ..

○ شروع بازجویی

- چشم و دستانت را می‌بندند و کشان‌کشان از سلول بیرون می‌آورند در حالیکه از هر طرف سربازان دورت را گرفته‌اند ..
- عمداً از جاهایی عبورت می‌دهند که ناله و فریاد اسیران تحت شکنجه را بشنوی ..
- تو حق خوردن و آشامیدن، خوابیدن و برخورداری از بهداشت را داری اما این حقوق به هیچ وجه در انجا رعایت نمی‌شود، بلکه برعکس برای آنکه اعتراف کنی اینها را از تو می‌گیرند به خصوص نمی‌گذارند بخوابی .. اما تو باید مقاومت کنی ..
- در سلول خود، با یاد و نام خداوند و کتابش انس بگیر .. ﴿أَلا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾[1].. سلول مأمن موقت توست که تو را از عالم و آدم جدا می‌کند.
- بعضی اوقات برخی خبرهای دروغ را به تو می‌گویند .. هیچ وقت آنها را باور مکن .. هرگز تصور نکن تنهائی .. خدا با توست چون تو دین و دعوت او را با به خطر انداختن جان و مال خود یاری داده‌ای پس او نیز به یاری تو می‌آید .. ﴿وَلَيَنصُرَنَّ اللهُ مَن يَنصُرُهُ﴾[2].. به خاطر داشته باش که برادرانت در بیرون پیوسته برایت دعا می‌کنند .. کاروان جهاد و دعوت با دستگیری تو متوقف نمی‌شود .. خانواده و دوستانت با پایداری تومحکم‌تر می‌شوند و برای آزادی تو دست به هر کاری می‌زنند.

سپس مراحل، بازجویی آغاز می‌شود .. مجاهدی با اهداف والا و روحیه‌ای سرکش سلاحی به جز ایمان برای رویارویی ندارد .. و همین سلاح برای در هم شکستن جباران کافیست .. درمقابل کارمندیست که انتظار حقوق ماهانه‌اش را می‌کشد، به عقیده و ارزشی پایبند نیست .. قدرتش را مدیون حقوق، دیوارهای زندان و تفنگ هزاران سربازیست که احاطه‌اش کرده‌اند .. و نیز دارای اختیارات محدودیست که نمی‌تواند از آنها تخطی کند.

محل بازجویی در زیرزمینها و اتاق های بازجوئیست .. ممکن است در اتاقی از تو بازجویی کنند که در آن بازجو پشت میزی نشسته است و تو را کمی دورتر در مقابلش سر پا نگاه می‌دارند تا بعد از باز کردن چشم‌هایت نتوانی برگه‌هایی را که بر روی میز قرار دارند بخوانی .. شاید هم با چشم‌های بسته از تو بازجویی کنند .. احتمال دارد تو را بر رو صندلی بنشانند یا گاهی به اتاق‌های شکنجه ببرند و چوبی را که در بدن فرد دیگری شکسته‌اند به تو نشان دهند و سربازها فحش و ناسزا بگویند و کتک بزنند که در اینصورت

۱- « .. هان ! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند.» رعد ۲۸

۲- «و به طور مسلم خدا یاری می‌دهد کسانی را که او را یاری دهند.» حج ۴۰

اغلب با صورت‌های پوشیده ظاهر می‌شوند تا بر ترس و وحشت تو بیفزایند .. ولی تو نباید بترسی زیرا اینها در مقابل عظمت پروردگار مگس هم به حساب نمی‌آیند چون به غیر از دریافت ماهیانه و جلب رضایت رؤسایشان هدفی ندارند.

لا تخش كثرتهم فهم همج الورى *** وذبابه، أتخاف من ذبان

نترس از تعداشان، اینهان مخلوقات پست و فورمایه‌ای هستند همچون مگس .. آیا از یک مگس می‌ترسی؟!

مطمئن باش که آنان در باطن تو را بزرگتر از خود می‌دانند و به دلیل جهاد و عقیده‌ات به تو رشک می‌برند و به حقارت و زبونی خودشان واقفند .. حتی اگر به تو بی‌ادبی و دست درازی کردند تو را بزرگتر از خودشان می‌دانند.

○ بازجوها و بازجویی

- سرپیچی خود را با خودداری از نوشتن هر چیز معنی‌داری آغاز کن.
- کوچکترین اطلاعاتی که از نظر تو ساده به نظر می‌آید برای بازجو مهم است.
- به یاد داشته باش که بازجویی هر چند هم طولانی باشد روزی به پایان می‌رسد، پس چه بهتر که بدون اعتراف و تسلیم شدن به خاطره شیرینی تبدیل شود.
- در اولین جلسه، بازجو بعضی از اطلاعاتی را که درباره‌ی تو جمع‌آوری کرده است را رو می‌کند .. به خاطر داشته باش که او همه چیز را در خصوص تو نمی‌داند بلکه صرفا می‌کوشد به تو این را القا کند .. او وضع روحی تو را نمی‌داند و سعی می‌کند از رفتارهای تو آنرا بفهمد برای آنکه برای مبارزه با تو خط و نشان بکشد ابتدا می‌خواهد تو را بشناسد و از میزان اعتماد به نفس تو آگاهی پیدا کند .. او نمی‌داند اعتراف می‌کنی یا مقاومت، بنابراین از همان ابتدا کاری کن که تصور کند پایداری می‌کنی ..
- فراموش نکن او یک کارمند حقوق بگیر است و بازجویی از تو برای او یک کار کلیشه‌ای و تکراریست و قدرتش از پولی که می‌گیرد سرچشمه می‌گیرد نه از شخصیتش .. بنابراین خسته می‌شود .. تو در نقطه مقابل او قرار داری، قدرتت از ایمانت ناشی می‌شود و برای خداوندی کار می‌کنی که در همه حال از تو آگاه است و فقط از او انتظار مزد و پاداش داری .. بنابراین قوی و محکم باش ..
- مطمئن باش که مبارزه‌ی تو و بازجو تنها در پایان بازجویی خاتمه می‌یابد و این به مقاومت تو بستگی دارد. پیروزی بازجو به معنای تسلط او بر تو، جهاد، دعوت و برادرانت دارد پس مراقب باش جهاد از طرف تو ضربه نخورد ..

- همواره به یاد داشته باش که بازجو نمی‌تواند دوست تو باشد وظیفه او حکم می‌کند تا بنا به ضرورت به صورت‌های گوناگونی ظاهر شود. لذا فریب وعده و وعیدهای او را نخور حتی اگر سوگند یاد کند، او یک دشمن وحشیست ..

〉 نکته مهم: «فقط یک ساده لوح گول بازجو را می‌خورد.»

- هیچ وقت در خلال بازجویی حرف او را قطع مکن این کار فایده‌ای ندارد ..

○ پیروزی یا شکست بازجو

〉 نکته مهم: «به راحتی می‌توان بازجو را منحرف کرد.»

- وقتی متوجه شدند دروغ می‌گویی ناراحت مشو و روشت را عوض مکن .. اگر هم بی‌احترامی و توهین کردند اعتنایی مکن چون احترام آنها برای تو مهم نیست تنها این مهم است که از طرف تو به جهاد و دعوت آسیب نرسد .. از طرفی آنها از ته قلب به مقاومت تو احترام می‌گذارند هرچند در ظاهر اسائه ادب کنند .. آنها به کسی که اعتراف می‌کند و برادرانش را لو می‌دهد به چشم موجود حقیری می‌نگرند و احترامشان به او صرفاً ظاهرسازیست ..
- اگر بازجویی با خیر وخوشی به پایان برسد بر احترام، مقاومت و قدرت تو افزوده می‌شود ..
- اگر بازجو در نقطه‌ای شکست بخورد هر بار تلاش خود را از سر می‌گیرد توهم هر بار او را شکست بده ..
- اگر بازجو را عوض کردند این به معنای پیروزی توست و بازجوی دوم کار خود را با روحیه‌ی ضعیفی شروع می‌کند .. بنابراین به مقاومت خود اضافه کن چون بازجو ها تنها در مقابل مجاهدان سخت کم می-آورند ..
- روش‌های بازجو نوعی آزمون و خطاست و این تویی که شکست یا موفقیت آن را رقم می‌زنی ..
- اگر موفق نشدند از مجاهدی اعتراف بگیرند او رابه زندانی می‌برند که مجاهدان و جاسوس‌هایی در آن وجود دارد .. از طریق ارتباط و حرف زدن با آنها امکان دارد بعضی از اطلاعات سری لو برود ..

○ روش‌ها و مجراهای بازجویی

- بازجو ابتكار عملی ندارد و روش‌هايش كاملا معين و تكراری مـی‌باشـند او همـواره مـی كوشـد خـود را روانشناس زبده‌ای نشان دهد تا بر تو سيطره پيدا كند .. ولی تـو آزادی عمـل زيـادی داری، سـركش بـاش و شكستش بده و پيوسته بر او مسلط باش ..

- بازجو می گويد تا هر وقت كه بخواهد می‌تواند تو را نگه دارد و رضايت او به نفع توسـت .. دروغ مـی-گويد .. اختيارات او محدود است، هر وقت حرف او را باور كنی به دام می‌افتی ..

- او گاهی سعی می كند در مورد مسائل جانبی با تو حرف بزند تا از اين طريق يک سر اطلاعـات حاشـيه-ای به دست آورده و با نتيجه‌گيری از آنها به چيزهايی برسد كه از آنها عليه تو اسـتفاده كنـد .. بنـابراين بـا او حرف نزن تا اين فرصت را به او ندهی ..

- اگر تو از گفتن رازهای مهم خودداری كنی، او سعی می كند در مـورد چيزهـای سـطحی و سـاده از تـو بپرسد .. مثلا در فلان جلسه چه چيزی خورديد يا نوشـيديد .. در ايـن حالـت نيـز بـه او اطلاعـات نـده چـون ممكن است اين اطلاعات ساده به اعتراف ديگران و برملا شدن رازهای بزرگ بيانجامـد .. بـازجو بـه ديگـر بازداشت‌شدگان می گويد كه او از همه‌ی چيزهايی كه در آن جلسه اتفاق افتاده است باخبر است حتی مـی-داند در آن جلسه چه چيزی خورده يا نوشيده‌اند .. احتمال دارد آن برادر گول اين حرفهـا را خـورده و زبـان بگشايد .. بنابراين مقاومت كن و از دادن كوچكترين اطلاعات به بازجو خودداری كن ..

- بازجو سوالاتش را هر از گاهی دوباره می‌پرسد تا ببيند در حرفهايت اشتباه و تناقضی وجود دارد ..

- دستگير كردن نزديكان و همسرت نبايد تو را بترساند .. يكی از روش‌های شرم آور آنها شكنجه‌ی زن و فرزندان و دوستانت است .. به خدا توكل كند چون تـو بـرای كمـک بـه ديـنش دسـتگير شـده‌ای او از تـو، خانواده و دوستانت محافظت می كند ..

- برخی از بازجوها خشن و تندخو و برخی ديگر مهربان و آرامند .. به اين خاطر كه از خود عطوفت نشان می‌دهن فريب آنها را مخور و با آنها همكاری مكن .. همـه آنهـا جنايتكارنـد و هدفشـان يكـی‌ست .. يعنـی گرفتن اعتراف از تو .. و تا دين، دعوت و جهادت را نفروشی از تو راضی نخواهند شد ..

- بازجو سعی مـی كنـد اتهامـات تـو را كوچـک جلـو دهـد و حتـی وعـده تخفيـف مجـازات در صـورت همكاری را به تو می‌دهد .. می گويد كه اينكار اعتراف و بازجويی نيست بلكه صرفا يک محاوره ساده برای بستن پرونده است .. مواظب باش، هرگز حرف‌های او را باور مكن ..

- او تلاش می كند تو را به فكر نجات خود بياندازد و وانمـود مـی كنـد كـه اعتـراف پايـان راه اسـت و در صورت همكاری با او آزاد خواهی شد .. مواظب باش و گول حرفهايش را نخور ..

- او می‌کوشد تا تو را نسبت به برادران و استادانت بدبین کند .. بنابراین اگر گفت برادرانت زیرابت را زده‌اند باور مکن .. جوابت یا باید سکوت باشد و یا اینکه تو با این حزب و چنین افرادی رابطه‌ای نداری یا ضمن اینکه هرگونه رابطه با مجاهدان را نفی می‌کنی بگو که برایشان احترام قائلی ..

- یکی دیگر از روش‌های آنها اینست که تو را تحقیر می‌کنند .. از فحش و ناسزا و هزاران کلمه کثیفی که در فرهنگ متعفن خود دارند استفاده می‌کنند .. مثلاً مرتب می‌گویند: "تو هیچی نیستی" .. این توهین‌ها را تحمل کن چون هدف از آن گرفتن اعتراف از توست ..

- بازجوها به هیچ دینی احترام نمی‌گذارند .. اما برخی از آنها برای ایجاد شك و تردید در دل بازداشت-شدگان مطالعاتی در امور دینی دارند .. و گاهی برای انداختن تفرقه در میان بازداشت‌شدگان به عقاید بعضی از آنها حمله می‌کنند.

- بازجو بی‌خود و بی‌جهت تو را می‌زند اگر بایستی یا بنشینی تو را می‌زند. این کار به این دلیل است که احساس می‌کند شکست خورده است یا تو از زدن می‌ترسی، بنابراین تلاش می‌کند با زور تو را به اعتراف وا دارد.

○ ابزارهایی که بازجو در اختیار دارد

- تو را از دیگران جدا و به تو القا می‌کند که بازجویی پایان ندارد .. به روشهای گوناگون تهدید می‌کند .. فحش و ناسزا می‌گوید .. قسمت‌های حساس بدن را میزند .. چند شبانه روز تو را سرپا نگه می‌دارد و نمی‌گذارد بخوابی .. همان اینها باعث اختلال اعصاب و فعالیت‌های آگاهانه مغز می‌شود و از فرط خستگی اگر برای چند ثانیه هم که باشد از فعالیت می‌ایستد بازجو می‌خواهد از این چند ثانیه کمال استفاده را ببرد و بیش از پیش بر تو فشار وارد کند .. هرگز تسلیم نشو و نترس چون این حالت هم سپری می‌شود .. در طول آن با بازجو حرفی نزن بلکه خداوند ﷻ را یاد کن و این آیه را به خاطر بیاور ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللهَّ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾[۳] و به یاد داشته باش که مقاومت تو برای برادران مجاهدت مهم است.

۳- «ای مؤمنان! هنگامی که با گروهی (از دشمنان) روبرو شدید، پایداری نمائید و بسیار خدا را یاد کنید (و قدرت و عظمت و وفای به عهد او را پیش چشم دارید) تا پیروز و رستگار شوید.»

• بازجو برای رسیدن به حالت اختلال اعصاب، از روش‌هایی همچون وارد کردن ضربات شدید بـه نـوک انگشتان دست و پا، گوش، لب و اعضای جنسی و کشیدن مـوی سـر اسـتفاده مـی‌کنـد .. زود بـه زود جـای ضربه‌ها را عوض می‌کند تا حالتی از ترس و دلهره بر تو حاکم شود .. همه این ها بـه پایـان مـی رسـد او هـم انسان است و مثل تو درد می‌کشد و خسته می‌شود .. و در نهایت همه چیز به پایداری تو بستگی دارد

﴿إِن تَكُونُواْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللّهِ مَا لاَ يَرْجُونَ وَكَانَ اللّهُ عَلِيماً حَكِيماً﴾

«اگر درد می‌کشید، آنان هم مثل شما درد می‌کشند و رنج می‌برند، (ولی فرق شما و ایشان در ایـن اسـت که) شما چیزی از خدا می‌خواهید که آنان نمی‌خواهند (و آن رضای الله و بهشت جاویدان است) و خداونـد آگاه (از اعمال شما و اعمال آنان، و) حکیم است (و بـه هـر یـک از شـما و ایشـان سـزا و جـزای کارتـان را می‌دهد.)»

• بازجو در پایان بازجویی موظف است یکی از این سه گزینـه را گـزارش دهـد: مـتهم بـی‌گنـاه اسـت، او علیرغم وجود مدارک و شواهد مصمم است حرفی نزند و یا او به دوستانش خیانت کرده و همه چیز را علیه ایشان لو داده است .. پس سعی کن تو سومین گزینه نباشی ..

○ شکنجه و پایداری

بازجو هرچقدر زبده و خبره هم باشد باز هم پایداری ممکن اسـت .. چـون مقاومـت و ایسـتادگی چیـزی نیست که با درس و دانشگاه به آن برسی ..

○ چگونه مقاومت کنیم؟

• به خداوند ﷻ اعتماد کن و به یاد داشته بـاش تـو بـه خـاطر کمـک بـه دیـن او اینجـایی، بنـابراین از تـو محافظت می‌کند .. به یاد داشته باش که پایداری تو از بازداشت و اسیر شـدن بـرادران مجاهـدت جلـوگیری می‌کند و علما و مجاهدین و داعیانی را که پیش از تو مقاومت کرده‌اند بـه خـاطر بیـاور، همچنیـن فرامـوش نکن که این تنها تو نیستی که شکنجه و آزار و اذیت می‌شوی .. اعتراف در چشم دیگـران و حتـی دشـمن از تو موجود حقیری می‌سازد ..

• اگر واقعا تا پیش از بازداشت در کوه و دشت و خیابان به دنبال شهادت می‌گشتی و بزرگترین آرزویـت کشته شدن با گلوله بود، اینک که گیر افتاده‌ای چرا باید بترسی زیرا در شهادت در اینجا هم ممکن است بـه رویت باز شود .. و اگر هدفت دستیابی به یکی از دو سرانجام نیک، پیروزی یا شهادت اسـت .. چـرا بایـد از

چند ضربه باتومی که به مرگ هم نمی‌انجامد هراس داشته باشی، اگر هم به مرگ بیانجامد شهادت آرزوی دیرین توست ازچه می‌ترسی؟

- بازجویی تنها مرحله جهادی است که با وجود پایداری در امان خواهی بود، چون می‌دانی که شکنجه به پای ایستادن در برابر موشک و گلوله و بمب نمی‌رسد.

- شکنجه هم، قتال است .. که نتایجش را اراده‌ی مجاهد، که به شخصیت و ایمان و ایستادگی‌اش بستگی دارد رقم خواهد زد .. پایداری و مقاومت را می‌توان با متوسل شدن به خداوند ﷻ و وعده‌هایی که در دنیا و آخرت به مجاهدان مؤمن داده است به دست آورد .. این امر تو را در مقاومت کمک می‌کند و بازجو را به شکست و خواری می‌نشاند.

- فراموش نکن که بین شکست و پیروزی یک ساعت صبر فاصله هست. "ای پاهای بردباری طاقت بیاورید که چیزی نمانده است."

- سماجت بار اول، باعث می‌شود تا دفعات بعد آسان‌تر مقاومت کنی .. بنابراین هر حمله بازجو را با سرکشی و سماجت ناکام بگذار ..

- افراد ضعیف منافع خود را بر جماعت و دیگر برادران ترجیح می‌دهند اما بعد از اعتراف نه تنها خلاص نمی‌شوند بلکه دیگران را نیز با خود می‌سوزانند ..

- اگر یکبار اتفاقی اعتراف کردی خیلی سریع به تمرد و سرکشی بازگرد تا مبادا زنجیره‌ای از شکست-های پیاپی به دنبال هم بیایند و تو و برادرانت را به حادثه ناخوشایندی دچار سازند ..

- سقوط در بازجویی به معنای از دست دادن وجهه‌ی جهادی و پیوستن به صف دشمنانت است .. علاوه براین بهایش را هم باید با محکومیت بپردازی .. چون تو اگر هم مزدور دولت نباشی اما عملاً مانند یک جاسوس عمل کرده و موجبات دستگیری برادرانت را فراهم کرده‌ای ..

- اگر اعتراف کنی تو و کسانی را که لو داده‌ای مجازات می‌کنند .. اما اگر صبر پیشه کنی تنها مدتی شکنجه می‌شوی و بعد آزاد خواهی شد.

- صبر یک امر ارادی است و ربطی به ضعیف یا قوی بودن جسم ندارد ..

- علیه هیچ کس شهادت نده .. بازداشت کسی نمی‌تواند تو را به این کار مجبور کند ..

- از رو به‌رو شدن با بازداشت‌شدگان دیگر خودداری کن و اگر هم کسی را با تو رویارو کردند با پایداری خود او را تشویق کن تا از اعتراف خود برگردد ..

- واکنش مناسب در برابر انواع تهدیدات حتی در مقابل تهدید به تجاوز ناموسی همان صبر و استقامت است .. حتی اگر تهدید کردند به خانواده‌ات تجاوز می‌کنند باز هم صبر اختیار کن و بدان که آنها محدودیت‌هایی دارند که نمی‌توانند ازآن پا فراتر بگذارند .. در این مواقع اعتراف تو کمکی به خانواده‌ات نمی‌کند بلکه از این امر به عنوان نقطه ضعف تو استفاده می‌کنند و بیش از پیش بر تو فشار وارد می‌کنند و اعتراف تو باعث می‌شود بیشتر و بیشتر در معرض تهدید و فشار قرار گیرند ..

- فراموش نکن که بازجویی در واقع شدت گرفتن مبارزه بین مجاهدی با دعوت و عقیده و ارزش‌های خداپسند با چند کارمند بی‌ارزش حقوق بگیر که غیر از پول یا وفای باطل به طاغوت انگیزه‌ای ندارند .. مسلم است که طرف حق، پتانسیل پیروزی بیشتری دارد زیرا تو برای ایدئولوژی می‌جنگی ولی او برای مال و منصب ..

- بازجویی یکی از میدان‌های جهادی است که در کوه، خیابان و زندان جریان دارد و عقلاً تو در آن پیروزمی‌شوی .. چون به ثبات صلابت و پروردگارت پشت‌گرمی ..

- دستگاه دروغ سنج بیشتر یک کلک به حساب می‌آید و به راحتی می‌توان آن را گمراه کرد به این ترتیب که با هر پاسخ انحرافی‌ای که به بازجو پس می‌دهی شانه‌ها یا پاهایت را حرکت بده یا این که در طول جلسه به اموری فکر کن که باعث غم و غصه می‌شوند .. در پایان حالت دستگاه نمی‌تواند نگرانی‌ها و پاسخ‌های دروغین تو را از هم تشخیص دهد ..

○ بعضی از روش‌های شکنجه و جنگ روانی در طول بازجویی

- شکنجه یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی که اعتراف است می‌باشد ..

- مطمئن باش که ضرب وشتم‌ها به همان اندازه که تو را رنج می‌دهند به اعتراف‌کنندگان نیز آسیب می‌رسانند، با این تفاوت که نوعی پوچی و حسرت به آنها دست می‌دهد .. پایداری در کنار لذت پیروزی و آسیب‌های جسمانی با ارزش‌تر است از احساس خودباختگی و پوچی به همراه همان آسیب‌های جسمانی که گاهی پای انسان را به قضایای بزرگتری می‌کشانند، لذا مفسده خفیف‌تر را انتخاب کن ..

○ اهرم‌های فشار:

- احضار بستگان و تهدید به دست درازی به آنها .. مطمئن باش اعتراف تو کمکی به بهبود وضع آنها نمی‌کند بلکه اگر از خودت ضعف نشان‌دهی آنها را بیشتر تحت فشار قرار می‌دهند .. و تا اطلاعات را از تو بیرون نکشند از آنها دست بر نمی‌دارند ..

- بازجو یک جنگ روانی برعلیه تو به راه می‌اندازد .. به تو القا می‌کند که مقاومت در برابر او محال است و هرکسی در برابر او اعتراف می‌کند و تو نیز با بقیه فرقی نداری .. سپس می‌گوید: "حرف بزن تا از شکنجه خلاص شوی" او می‌کوشد یک ظن و گمان معقول در تو به وجو بیاورد .. و برخی از کسانی را که اعتراف کرده‌اند بر می‌شمرد، تا به این نتیجه برسی: "حال که همه اعتراف کرده‌اند من نیز اعتراف می‌کنم" .. این روش تنها در مورد افراد ضعیف به نتیجه میرسد ..

- قبول کن که ضرب وشتم حتمی است .. و تن دادن به اعتراف نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه آن را تشدید می‌نماید.

- هرچه قدر برعلیه تو دلیل و مدرک و گزارش ارائه کردند تو استقامت کن هرچه قدر دلایل و مدارک قویتر باشند باز هم می‌توانی آنها را رد و انکار کنی .. تنها اعتراف یک متهم است که او را محکوم می‌کند و اعتراف دیگران علیه او از ضعیفترین مدارک به شمار می‌آید .. آنها به تو می‌گویند که دوستان و امیران تو اعتراف کرده‌اند یا ممکن است در پیش چشمان تو اعتراف کنند اما تو باید مقاومت کنی زیرا اعتراف آنها به معنای سقوط جهاد نیست .. اعتراف خود تو بالاترین مدرک است و از اعترافات دیگران علیه خودت بیمی نداشته باش ..

- هر بار که در برابر سوالی مقاومت می‌کنی بازجو سوال دیگری را پیش می‌کشد تا اینکه به کلی شکست می‌خورد ..

- اعتراف در زیر کتک‌کاری، بازجو را تشویق می‌کند تا بیشتر تو را بزند و حرف آخر را از تو بیرون بکشد .. با اعتراف کردن، کار او با تو تمام نخواهد شد بلکه از تو می‌خواهد دیگران را راضی کنی تا به اعتراف تن در دهند ..

- یکی دیگر از ابزارهایی که بازجو علیه تو استفاده می‌کند استفاده از هپنوتیزم یا دستگاه دروغ‌سنج است، مطمئن باش که این دو ابزار هم نمی‌توانند خطری متوجه تو سازند و بیشتر جنبه روانی دارند.

- برای آنکه هیپنوتیزم شوی بازجو به همکاری تو نیازمند است تو هم خودداری کن .. چیز دیگری که باید بدانی این است که نمی‌توان انسانی را که به خواب مغناطیس فرو رفته است مجبور به اقرار کرد .. پس

اگر گفتند در حالت هپنوتیز از تو اعتراف گرفته‌اند دروغ می‌گویند .. قصد آنها این است که تو اطلاعاتی را که قبلا به کمک جاسوس‌ها ویا محاسباتشان از تو به دست آورده‌اند تایید کنی ..

• دستگاه دروغ‌سنج هم یک حقه است .. اساس کار این دستگاه این است که برخی فعل و انفعالات و تغییراتی که به هنگام زدن حرف دروغی در درون تو روی می‌دهد تشخیص می‌دهد .. تو هم می‌توانی همراه با پاسخ‌های دروغین به بازجو عضلات پا یا شانه را منقبض کنی یا در طول جلسه مرتب به امور غم انگیزی از قبیل یادآوری دوستان شهیدت فکر کنی .. اینگونه دستگاه را منحرف کنی و نمی‌تواند بین انفعالاتی که در اثر نگرانی و اضطراب و جواب‌های گمراه‌کننده به وجود می‌آیند، تمایز قایل شود ..

• هیچ حالت بیهوشی‌ای در اثر مواد مخدر یا هپنوتیزم وجود ندارد که انسان در آن اسرار خود را افشا کند .. بنابراین اگر ادعا کردند که در بیهوشی یا هپنوتیزم لب گشوده‌ای باور نکن.

• بازجو دو حس شنوایی و بینایی تو را در معرض علایم آزار دهنده‌ای از قبیل صداهای ممتد یا بلند و نورهای خیره کننده یا فیلم های شکنجه دیگران قرار می‌دهد تا کنترول اعصاب خود را از دست بدهی .. پایداری تو همه اینها را ناکام می‌گذارد به ویژه اگر پیش از آن برایش حساب کرده باشی ..

• با بازجویی مداوم یا نگهداری در سلول کوچکی که قادر به نشستن در آن نیستی از خوابیدن محرومت می‌کنند .. آنگاه بازجو در مقابل اقرار به تو وعده اجازه خواب می‌دهد .. بالاخره خواب به شکل بیهوشی یا چرت زدن ظاهر می‌شود بدون آنکه خطری برای زندگی‌ات داشته باشد. پس در مقابل وعده بازجو تسلیم نشو و لب باز نکن ..

• نشان دادن کوچکترین ضعفی در زیر شکنجه، بازجو را برای گرفتن اعتراف و ادامه و تشدید آن تشویق می‌کند .. پس به او قول نده که در صورت کاهش شکنجه کاری، خواهی گفت و یا حرفی خواهی زد.

• بازجو تو را به سلول کثیف و کوچکی می‌برد که افراد دیگری هم در آن هستند .. از بس کوچک است نمی‌توانید چند شبانه روز بخوابید یا بنشینید آن را نظافت کنید در همانجا قضای حاجت می‌کنید .. و هر از گاهی اسپری‌های بدبویی به داخل سلول می‌پاشند و بوی بد آن با بوی عرق ممزوج می‌شود بدون آنکه تهویه‌ای صورت گیرید .. از آب و غذا محروم می‌شوید و صداهای وحشتناک کش‌داری می‌شنوید، و چون تو تنها عامل این رنج و عذاب هستی دیگر افراد از تو می‌خواهند برای نجات از این وضع وحشتناک اعتراف کنی تو را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهند .. گاهی در بین آنها جاسوس‌هایی می‌گمارند که مدام در گوش تو می‌خوانند که آنها آماده اعترافند و اوضاع دیگر قابل تحمل نیست .. همه اینها برای فروپاشی درونی توست .. اما اگر مقاومت کنی بازجو دیگر هر نوع روشی را برای گرفتن اعتراف از تو با شک و تردید شروع می‌کند.

- در طول بازجویی بعضی اهانت‌ها و دشنام‌ها را از آنها می‌شنوی .. اما باید به یاد داشته باشی که ذلت در این نیست که در شکنجه‌گاه حرف‌های ناشایستی را از بازجوی بی‌شخصیتی بشنوی بلکه فروریزی و اعتراف و در خطر انداختن جهاد دوستانت ذلت حقیقی است ..
- به یاد داشته باش که بازجویی و شکنجه بالاخره روزی به پایان می‌رسد و این تویی که یا فرو ریخته و اعتراف کرده و خائن و محکوم به حبس .. و یا قهرمانی که مایه مباهات فرزندان و برادرانت باقی می‌مانی .. بنابراین بهتر است بازجویی بدون بروز کوچک‌ترین معلومات تمام شود ..

○ نقش جاسوس‌ها در خلال بازجویی

〉 **یک واقعیت:** «وجود جهاد یعنی وجود نیروی مخالف یعنی وجود اطلاعات یعنی وجود جاسوس»

- فرد اعتراف کرده، موجود لگدمال شده حقیری است که نیروهای اطلاعات او را آنطور که در هر کجا که بخواهند به کار می‌گیرند .. او در چشم آنها مانند یک جفت کفش است که تا کهنه می‌شود می‌پوشند و سپس عوضش می‌کنند و بعد از آنکه کارشان با او تمام شد او را در سطل آشغال می‌اندازند ..
- هدف جاسوس در تمام زندگیش به جا آوردن همه‌ی آن چیزهایی است که اطلاعات از او می‌خواهد، و همواره او را تهدید می‌کنند که پیش خانواده و جامعه آبرویش را می‌برند و چهره واقعیش را به آنها نشان می‌دهند .. و یا اگر با آنها همکاری نکند او را حبس می‌کنند یا می‌کشند ..
- اطلاعات تا زمانی که جاسوس را آلوده می‌کند سعی دارد با او رابطه مناسبی داشته باشد .. اما وقتی که به اندازه کافی در کثافت‌کاری‌ها غرق شد همه وعده‌هایی را که به او داده بود زیر پا می‌گذارد و این برای کل جاسوس‌ها اتفاق افتاده است ..
- نیروهای اطلاعاتی دشمن سعی می‌کند جاسوس را تا می‌تواند از لحاظ اجتماعی و اخلاقی ساقط کند .. تا خود را جدا از برادران و جامعه احساس کند .. آنها می‌کوشند از او شخصی بسازند که فقط در فکر جمع کردن پول و ثروت است .. زیرا فقط چنین افرادی می‌توانند به دوستان خود خیانت کنند.
- نیروهای اطلاعاتی برای اینکه بتوانند کسی را به جاسوسی وادارند روش‌های ناجوانمردانه و کثیفی به کار می‌برند .. مثلا به او پول و پاسپورت و اسلحه می‌دهند یا برایش فرصت انجام کارهای منافی اخلاق را فراهم می‌آورند و مخفیانه از او فیلم و عکس تهیه می‌کنند. سپس او را تهدید می‌کنند در صورت عدم همکاری تصاویر را پخش می‌کنند ..

- نیروهای اطلاعاتی از این جاسوس‌ها در طول بازجویی کمال اسـتفاده را مـی‌برنـد و از آنهـا مـی‌خواهنـد نقش‌های مختلفی بازی کنند .. مثلا از آنها می‌خواهند خود را مجاهد جـا بزنـد و خـود را بـه مـتهم نزدیـک کند، یا فردی که تاب و توانش را از دست داده و همه چیز را اقرار می‌کند تا از ایـن طریـق روحیـه‌ی وی را تضعیف کنند ..

- برخی از این جاسوس‌ها را با متهم در یک سلول قرار می‌دهند او وانمود مـی‌کنـد کـه مجاهـد پایـداری است تا اعتماد طرف را جلب و از او کسب اطلاعات کند .. یا این که وانمود می‌کند به کلـی ناامیـد شـده و قصد دارد همه چیز را لو دهد .. یا نقش انسان بی‌گناهی را بازی می‌کند که پس از مدت کوتاهی آزاد مـی-شود زیرا علیه او مدرکی وجود ندارد بنابراین از او می‌خواهد اگر چنانچه می‌خواهد نامه‌ای یا پیامی به یکـی از دوستانش برساند او این کار را برایش می‌کند .. هدف آنها از این کار کشف روابط حزبی مجاهد است ..

○ وظایف جاسوس‌ها در بازجویی و بیرون از زندان

- جمع‌آوری اطلاعات از بازداشت‌شدگان برای استفاده در بازجویی.

- در بازداشت خود را متهم جا می‌زنند تا به جاسوسی بپردازند یا روحیه مجاهدان را تضعیف کنند.

﴿لَوْ خَرَجُواْ فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلاَّ خَبَالاً ولأَوْضَعُواْ خِلاَلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ توبه ٤٧

«اگر آنان همراه شما (برای جهاد) بیرون می‌آمدند، چیـزی جـز شـر و فسـاد بـر شـما نمـی‌افزودنـد، و بـه سرعت در میان شما حرکت می‌کردند و مشغول آشـفتن و گـول‌زدن و برگردانـدنتان از دیـن مـی‌شـدند. در میانتان هم کسانی هستند که سخن ایشان را بشنوند. خداوند ستمگران را خوب می‌شناسد (و از فاسق و فـاجر ایشان آگاه و از رفتار آشکار و نهانشان باخبر است).»

- در صفوف دعوت و جهاد نفوذ می‌کنند که در این صورت به اطلاعات بسیار مهمی در مـورد اشخاصـی که با آنها در ارتباطند دسترسی پیدا می‌کنند.

- در تجمع‌های مختلف زندان نفوذ می‌کنند و بین آنها دشمنی و شکـاف ایجاد می‌کنند.

- نزدیك شدن به مقامات فرماندهی برای کسب معلومات فوق العاده مهم .. ایجاد ظـن و گمـان نسـبت بـه اشخاص مخلص .. و جمع‌آوری اطلاعات در مورد افرادی که به تازگی دستگیر شده‌اند تا در بازجویی‌هـا از آنها استفاده کنند.

- ایجاد اختلاف در بین زندانی‌ها تا به جای رویارویی با دشمن با یکدیگر نزاع کنند و برای اینکه کارهای زندانبانی و اطلاعات را موجه جلوه دهند.

- برخی از فرماندهانی که در زندان به سر می‌برند برای انجام وظایف خود به دستیارانی نیاز دارند .. جاسوس‌ها سعی می‌کنند به چنین جایگاههایی دست یابند، آنها معمولا اینگونه نقش‌ها را خیلی خوب بازی می‌کنند و همه رابطه‌های مخفی را کشف می‌نمایند.

- بنابراین همیشه در زندان و سلول اسرارت را پیش خودت نگه‌دار و برای معتمدترین افراد هم بازگو نکن زیرا در چنین جایی نمی‌شود به کسی اعتماد کرد .. چه زیبا گفته‌اند که: "وقتی خودت نمی‌توانی رازهایت را نگه‌داری، چطور از دیگران توقع داری این کار را برایت انجام دهند" .. این افراد اگر مجاهدان خالصی باشند تو را برای حفاظت اطلاعاتت ملامت نمی‌کنند و اصلا نیازی بدان ندارند زیرا هرچه کمتر بدانی بیشتر به نفع توست.

- از اعتراف کرده‌ها به کلی بپرهیز اینگونه افراد پتانسیل بالایی برای جاسوسی دارند .. حتی برخی از ایشان در برابر وعده‌های کودکانه‌ای از قبیل اجازه ملاقات با اعضای خانواده یا نامه نگاری با ایشان یا وعده تخفیف مجازات و حتی به خاطر چند نخ سیگار به این کار تن می‌دهند ..

- در مرحله بعد از بازجویی هم باید کماکان بر حفاظت اطلاعات مسّر باشی، زیرا دشمن قادر است در این دوره به اطلاعاتی دست یابد که غلیرغم فشار روحی و شکنجه تو به آنها اعتراف نکرده‌ای ..

○ اعتراف

- همه‌ی چیزهایی که در اطلاعات وجود دارد اعم از سربازان، دستگاه‌های اطلاعاتی و ... تنها برای رسیدن به یک هدف است و آن گرفتن اعتراف ازتوست .. تا سپس آن را برعلیه خودت به کار گیرند و محکومت کنند ..

- فراموش نکن که بازجویی و درد و شکنجه تمام خواهد شد و به خاطره تبدیل می‌شوند، و تو می‌توانی این را به فرصتی برای بهره‌مندی دنیا و آخرت و یک خاطره شیرین تبدیل کنی.. و یا راهی برای رسیدن به زندگی خفت بار و در نهایت آتش دوزخ ..

- فروریزی و اعتراف، نوعی حالت شکست است .. تسلیم شدن و خیانت توجیه ناپذیر و نشاندهنده ضعف شخصیت افراد است .. این پدیده شوم فرد را به نوکر و عمیل اطلاعات دشمن تبدیل می‌کند، اگر هم تحت شدیدترین نوع شکنجه‌ها باشد باز هم خیانت محسوب می‌شود .. این نکته را خوب به خاطر بسپار که

اعتراف کمکی به تو نمی‌کند بلکه به وسیله آن در حقیقت حکم محکومیت خود را امضا کرده‌ای .. و اعتراف به تو و از آن مهمتر به جهاد لطمه می‌زند.

- به محض اینکه زیر شکنجه لب بگشائی شدت شکنجه بیشتر خواهد شد .. این اعتراف کوچک در نظر بازجو به منزله‌ی آغاز سلسله طویلی از بازجویی‌ها و شکنجه‌هاست و تا به همه چیز اعتراف نکنی دست بر نمی‌دارد .. شاید موقتا شکنجه را متوقف کند اما دوباره آن را از سر می‌گیرد .. باید بدانی که سرآمدن صبر و یا اعتراف دیگران نمی‌تواند اقرار را توجیه کند .. چون ضربات جبران ناپذیری به برادرانت می‌زند ..

- یکی از پیامدهای اعتراف، رویارویی با برادرانی است که به سبب اعتراف تو دستگیر شده‌اند .. پس مجاهد نباید زیر پای برادرش را خالی کند بلکه دائما باید منافع جماعت را بر منافع خود ترجیح دهد .. پیوسته بکوش از خودبینی و فردگرائی بپرهیزی ..

- اعتراف به مسائل جزئی و کوچک مقدمه اعتراف به مسایل بزرگ است .. این مسایل کوچک در دیدگاه محقق سرنخ محسوب می‌شوند و شاید بتواند با تجزیه و تحلیل آنها به اطلاعات فوق العاده مهمی برسد که حتی فکرش را هم نمی‌کردی ..

- لازم است که بدانی که فروریزی و اعتراف کاملاً ارادی و اختیاری هستند و بلایی بر سر جهاد و جماعت می‌آورند که از شدیدترین شکنجه‌هایی که ممکن است در حق تو روا داشته شود بالاتر است ..

〉 **یک واقعیت مهم:** «اعتراف محکومیت و سپس زندان را در پی دارد اما پایداری و مقاومت بازداشت موقت را به دنبال دارد.»

- فراموش نکن که بسیاری از مجاهدان و برادرانت اعتراف نکرده‌اند تو هم سعی کن مثل آنها باشی .. همه کسانی که اعتراف کرده‌اند بعداً گفته‌اند که می‌شد با کمی خودداری مقاومت کنند و زبان نگاه دارند ..

- بازجو با احساسات تو بازی می‌کند و به تو تلقین می‌کند که اعتراف هیچ خطری برای تو ندارد بلکه صرفاً یک کار کلیشه‌ای برای ختم پرونده‌ات است .. همه اینها دروغی بیش نیستند .. و مبادا هیچ کدام از حرفها و وعده‌های بازجوها یا نگهبانان را باور کنی ..

- اکثر اطلاعات بازجو در مورد تو فرضی و ناقص است و تنها می‌کوشد با همکاری و همیاری تو و یا حرف‌هایی که مهم نمی‌پنداری آنها را کامل گرداند .. آنها مدام می‌گویند همه چیز را می‌دانند، تو هم همواره این سوال را از خودت بپرس: "اگر واقعا همه چیز را در مورد من می‌دانند چرا این جا نگاهم داشته‌اند؟" .. آنها برای محکوم کردن تو در دادگاه به اعتراف تو احتیاج دارند و همچنین می‌خواهند از صحت

معلوماتی که دارند مطمئن شوند، لذا اگر معلوماتی که در مورد خودت بازگو می‌کنند درست هم بود تعجب نکن و خودت را نباز، چون فرق زیادی بین معلوماتی که یک مخبر گزارش می‌دهد با آنهایی که از دهان تو بیرون می‌آید وجود دارد ..

- اگر بازجو در مورد برادرانی که بیرون هستند از تو سوال پرسید هرگونه رابطه با آنها را انکار کن و حتی اگر می‌داند دوستنان تو هستند منکر هر نوع آشنایی با آنها شو .. چیز دیگری که لازم است بدانی این است که، اگر از کارهای به اصطلاح خلاف قانون دیگران آگاه باشی و بدان اعتراف نکنی از نظر آنها جرم محسوب می‌شود و دادگاه به جرم عدم رد گزارش تو را به حبس محکوم می‌نماید.

- اگر هم نتوانستی بنا به دلایل موجود رابطه خود را با برخی افراد یا رویدادها نفی کنی، باز هم به این معنی نیست که اعتراف کنی .. بلکه می توانی مغز خود را کمی بکار بیاندازی و این دلیل را یک سوئ تفاهم یا یک اتفاق جلوه بدهی .. البته باید اصرار و استقامت نشان دهی ..

- در طول بازداشت هیچ اطلاعاتی به هم‌سلولی‌ها و همبندی‌هایت مده چون امکان دارد آنها اعتراف کنند یا جاسوس باشند .. مجاهد راستینی که با تو در بند است نیازی به معلومات ندارد ..

○ خطر همکاری با بازجو

- هدف بازجو نابودی مجاهد و گرفتن اعتراف از اوست .. تا او را به موجود بی اراده و بی‌هدف تبدیل کند تا دعوت و مجاهدت‌هایش را ناکام و عقیم نماید ..

- به خاطر داشته باش که او برای رسیدن به این هدف با تمام توان تلاش می‌کند تا تو را راضی به همکاری کند .. با زور و یا با خدعه و نیرنگ می‌کوشد خود را دوست تو جلوه دهد و او صلاح تو را می-خواهد. یا گاهی در مورد مسایل جانبی و بی‌اهمیت با تو به گفتگو می‌نشیند، و از خاطره‌ها حرف میزند .. همه اینها به خاطر این است تا تو را به اشتباه بیاندازد و از زیر زبانت حرف‌هایی بیرون بکشد که برای تکمیل معلومات خود به آنها نیاز دارد .. تو مهمان نیستی و بازداشتگاه هم محل پذیرایی نیست پس بازجو نیز دوست و رازدار و همدم شایسته‌ای برای تو نخواهد بود .. بنابراین با او سرسخن را باز نکن تا در دامی که برایت پهن کرده است گرفتار نشوی .. چون او می‌تواند بی‌آنکه تو متوجه شوی معلوماتی از تو بیرون بکشد که علیه خودت و دیگران از آنها استفاده می‌کند.

- پیوسته این را به یاد بیاور و با خود تکرار کن که حکومت طاغوت و سازمان اطلاعاتش تنها می‌تواند با چیزهایی که از زبانت بیرون می‌کشد تو را محکوم کند .. اعتراف دیگران علیه تو آسیب به تو نمی‌رساند ..

اگر دست قضا تو را به اعتراف واداشت از تأکید اعتراف خود پیش رئیس کل خودداری کن و دوباره انکـار و سماجت خودت را از سر بگیر .. تایید اعتراف در حضور رئیس کل چیزیست که در دادگاه می‌توانـد علیـه تو استفاده شود .. رئیس کل را احتمالا مردی مهربان و خوش برخورد می‌بینـی کـه نیشـش تـا بنـا گـوش بـاز است و به تو چای و سیگار تعارف می‌کند با تو گپ میزند .. همه اینها به این خاطر است تا احساس کنی که کار آسانی پیش رو داری و جرایمت آنقدرها هم که فکر می‌کنی سنگین نیستند .. او سپس شـروع مـی‌کنـد به خواندن اعترافاتت، مبادا با این تصور که دیگر کار از کار گذشته است و اطلاعـات از تـو اعتـراف گرفتـه است، آنها را تایید کنی یا گول وعده‌های شیرین او را بخوری .. او یک گرگ بـی چشـم و روسـت .. و در دادگاه و قتی که می‌گویی من در زیر شکنجه اعتراف کرده‌ام می‌گوید: "فلانی به چشم‌هایم نگـاه کـن مـن تو را زده‌ام؟" اگر اعترافاتت را تایید کنی در واقع هدیـه بزرگـی بـه دشـمنت داده‌ای، همـین مـرد مهربـان و رئوفی که در برابر تو نشسته است در دادگاه چشمانش را می‌بندد و دهانش را می‌گشاید و از رئـیس دادگـاه درخواست اشدّ مجازات را برایت خواهد کرد .. و خواهد گفت که تو یـک تروریسـت خـائنی و منکـر هـر نوع شکنجه وآزار و اذیت خواهد شد ..

- تنها کاری که تو را در برابر آنها محافظت می‌کند این است که مطلقـاً بـا آنهـا کـوچکترین همکـاری‌ای نداشته باشی .. اینکار دست‌های آنها را می‌بندد و دیوار ترسی را که در ذهن تو ساخته‌اند، فرو می‌ریزد ..

- مطمئن باش کوچکترین معامله با دشمن خیانتی است که تورا بـه زبالـه‌دان تـاریخ مـی‌انـدازد .. هروقـت خواستی با بازجو معامله کنی فراموش نکن که او هرگز به تعهدات خویش عمل نمی‌کنـد، هـر وقـت گفـت در مقابل اعتراف آزادی تو را تضمین می‌کند دروغ می‌گوید .. چون او اصلاً نمـی‌توانـد تـو را زنـدانی کنـد مگر اینکه اقرار کنی که در این صورت از مدرک کافی برای محکوم کردن تو برخـوردار اسـت .. و بـه تـو می‌گوید: "برای اینکه از دست دوستانت در امان باشی تو را حبس می‌کنم چون تو به آنها خیانـت کـرده‌ای می‌خواهند تو را به قتل برسانند." .. او برای اینکه ملکه اطاعت را در ذهن تـو بسـازد دسـتورهای ساده‌ای از قبیل نشستن و برخاستن هم به تو می‌دهد، چون کسی که بلافاصله اوامر او را اجرا می‌کند بیشتر احتمال دارد اعتراف کند ..

- اعتیاد به سیگار ممکن است تو را در برابر دشمنان خدا ذلیل کند .. چه بسیار بازداشت‌شدگانی را دیـده-ایم کـه برای یک نخ سیگار به نگهبانان و بازجو التماس می‌کننـد .. گـاهی بـازجو در مقابـل اعتـراف اجـازه می‌دهد متهم داخل سلولش سیگار بکشد بنابراین همین الان آن را ترک کن ..

- گاهی بازجو یک نخ سیگار به تو تعارف می‌کند و اگر قبول نکنی تو را میزند، اگر بلند شوی یا بنشینی بازهم تو را میزند احتمالاً احساس شکست می‌کند یا حس می‌کند تو از کتک کاری میترسی، بنابراین می‌کوشد تو را به همکاری وادار کند.

- بازجو می‌تواند جلوی خورد و خوراک و آشامیدن را بگیرد و میتواند تو را بزند و گرسنه و تشنه و بیدار تو را نگاه دارد اما نمیتواند زبان تو را به حرکت وا دارد.

- بازجویی هم مثل مبارزات خیابانی و چریکی است .. بنابراین با دشمن همکاری مکن .. و چون تو بر قدرت و ثبات خود تکیه داری پیروز می‌شوی ..

- بازجو تو را به قرآن یا طلاق سوگند می‌دهد .. دروغگویی در این مورد چون مکری جائز است .. بنابراین با جنایتکاری که خدا و قرآن را نمی‌شناسد و تنها هدفش عقیم کردن تلاشها و مجاهدت‌های توست همکاری نکن .. او دشمن خدا و قرآن و شریعت است .. از انس‌ابن‌مالک در مورد مردی پرسیدند که برای لو دادن مرد دیگری دستگیر شده است، که آیا در این حالت می‌تواند سوگند دروغ یاد کند؟ پاسخ داد: «بله و اگر هفتاد بار قسم دروغ بخورد بهتر از آن است که مسلمانی را لو بدهد.»

- هر نوع اطاعت از بازجو باعث می‌شود او به هدف شومش نزدیکتر شود و تو را در برابر او ذلیل‌تر می‌کند.

- وسط حرف‌های بازجو حرفی نزن زیرا سخن گفتن توفیری نمی‌کند.

- هر معلومات کوچکی که به دشمن می‌دهی، ممکن است کمال استفاده را از آن ببرند ..

- هر وقت احساس کردی به دام افتاده‌ای دوباره انکار و اصرار را از سر بگیر ..

- پاسخ‌های مشابه‌ی بده: مثلاً "نمی‌دانم" و "چیزی نمی‌دانم" و "این برایم مهم نیست" اینگونه جواب‌ها بازجو را کلافه می‌کند ..

- اگر هم مجبور شدی پاسخ‌های دیگری بدهی سعی کن جوری جواب بدهی که باعث ایجاد سوال‌های بعدی نشود .. مثلاً اگر پرسید چه کسی این اسلحه را به تو داد؟ اسم یک مرده را بگو و اینکه این موضوع را غیر از او کسی نمی‌دانست .. تا نتواند سوال‌های دیگری از تو بپرسد .. مثلا اسم و مشخصات کامل فرد دیگری که از این ماجرا باخبر بوده است و...

- هر وقت بازجو سرنخی از تو به دست آورد تا آخر می‌رود و دست بردار نخواهد بود .. بنابراین پاسخ به یک سوال وی به معنی پایان راه نیست بلکه تازه‌کار او با تو شروع می‌شود ..

○ چگونه به سوال فلان شخص را می شناسی جواب بدهیم؟

جواب نه، در را به روی سولات دیگر می بندد.

حال آنکه گفتن بله سوالات دیگری را به دنبال دارد مانند: اسم کامل او چیست؟ شماره تلفن او چیست؟ چه ماشینی سوار می‌شود؟ کجا می‌نشیند؟ چند وقت است او را می‌شناسی؟ آخرین بار کی او را دیدی؟ این ملاقات کجا صورت گرفت؟ در مورد چه چیزی حرف زدید؟ چه کسانی آنجا حضور داشتند؟ اسامی و مشخصات کامل آنها چیست؟ و...

- به نجات شخص خودت فکر نکن، و فراموش نکن که اعتراف پایان راه و همکاری تنها راه چاره نیست ..
- هرچه بیشتر مقاومت کنی بازجو از راهکارهای روشن‌تری استفاده می‌کند و دلایل و برهان‌هایش را رو می‌کند .. در این صورت ابتکار عمل را در دست بگیر و بگذار تا او برگ‌هایش را رو کند و تو کوچکترین همکاریی نکن .. پایداری و استقامت باعث می‌شود تا برای فشار به تو دلایل بیشتری ارایه دهند و اگر تو کارآزموده باشی از روی این دلایل می‌توانی مرحله بعدی را پیش بینی کنی ..
- همه شیوه‌های بازجو آزمون و خطاست .. پس تو هر بار او را شکست بده و مطمئن باش هر بازجویی را می‌توان به راحتی گمراه کرد.

﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ آل عمران ۱۲۰

«و اگر (در برابر اذیّت و آزارشان) بردباری کنید و (از دوستی با ایشان) بپرهیزید، حیله‌گری (و دشمنی خائنانه) آنان به شما هیچ زیانی نمی‌رساند، شکّی نیست خداوند بدانچه انجام می‌دهند احاطه دارد (و قادر به دفع نقشه‌های خائنانه و نیرنگهایی شیطانی آنها از شما است).»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ آل عمران ۲۰۰

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر شدائد و ناملایمات) شکیبایی ورزید و استقامت و پایداري کنید و مراقبت به عمل آورید و از (خشم) خدا بپرهیزید، تا این که رستگار شوید.»



فقط یک ساده لوح گوَل بازجو را می خورد ..

فقط یک ساده لوح گوَل بازجو را می خورد

وجود جهاد یعنی وجود نیروی مخالف یعنی وجود اطلاعات یعنی وجود جاسوس ..

وجود جهاد یعنی وجود نیروی مخالف یعنی وجود اطلاعات یعنی وجود جاس

به راحتی می توان بازجو را منحرف کرد ..

به راحتی می توان بازجو را منحرف کرد

اعتراف محکومیت و سپس زندان را در پی دارد اما پایداری و مقاومت بازداشت موقت را به دنبال دارد..

اعتراف محکومیت و سپس زندان را در پی دارد اما پایداری و مقاومت
بازداشت موقت را به دنبال دارد